

# اختران فقاہت

(بررسی زندگی علمی و سیاسی گروهی از علمای سدهٔ اخیر)

جلد اول

تألیف:

ناصرالدین انصاری قمی

▼  
**اختران فقاہت جلد (۱)**

ناصرالدین انصاری

انتشارات دلیل ما

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ نگارش

قیمت: ۴۷۰۰ تومان

شابک: ISBN ۹۶۴-۳۹۷-۱۸۶-۴

شابک دوره: ISBN ۹۶۴-۳۹۷-۱۸۸-۰

آدرس: قم، خیابان معلم، میدان روح الله، پلاک ۶۵

تلفن و نمابر: ۷۷۴۴۹۸۸-۷۷۳۳۴۱۳

صندوق پستی ۱۱۵۳-۳۷۱۳۵

WWW.Dalilema.ir

info@Dalilema.ir



انتشارات دلیل ما

**مراکز پخش:**

- ۱) قم، انتهای خیابان صفائیه، روی روی کوچه شماره ۳۸، ساختمان پزشکیان، طبقه دوم، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۷۷۳۷۰۰۱ - ۷۷۳۷۰۱۱
- ۲) تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، فروشگاه دلیل ما، پلاک ۳۲، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱
- ۳) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۲۲۳۷۱۱۲-۵

انصاری، ناصرالدین، ۱۳۴۶

اختران فقاہت: (زندگی علمی و سیاسی گروهی از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری) / تألیف ناصرالدین انصاری قمی. - قم: دلیل ما، ۱۳۸۵.

ج ۲

ISBN 964 - 397 - 188 - 0: (دوره)

ISBN 964 - 397 - 186 - 4: (ج ۱)

ISBN 964 - 397 - 187 - 2: (ج ۲)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. فقیهان شیعه -- سرگذشتنامه. ۲. مجتهدان و علما -- ایران -- سرگذشتنامه. الف. عنوان. ب. عنوان: (زندگی علمی و سیاسی گروهی از علمای بزرگ شیعه در قرن ۱۴ هجری).

۲۹۷/۳۹۲

BP ۱۵۳/۱ / الف ۸

م ۸۵-۳۶۶۸

کتابخانه ملی ایران

# عِبَقَاتُ الْاِنْوَارِ

في إمامة الأئمة الأطهار

حَسْبُكَ الْغَدِيرُ

« قسم السند »

تأليف  
الامام المحجة الجاهد  
السيد حامد حسين الكهموي

تحقيق  
علامه رضا مولانا بروجردي

## علامه مير حامد حسين ، صاحب عبقات الانوار\*

### مقدمه

از آن روز که اورنگ خلافت الهی و تختگاه وصایت نبوی ﷺ ، مسند نشین دزدان سقیفه قرار گرفت و جانشینی پیامبر اکرم ﷺ ، مورد طمع و حسادت برخی از بیخردان واقع شد، و مقام امامت حقه - که منصبی آسمانی و مقدس بود - با دسیسه و نقشه‌های کینه توزانه عده‌ای، به امری پست، بی ارزش و زمینی تبدیل شد و حق مطلق، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عليه السلام، از حق خویش محروم

\* این مقاله نخستین بار در مجله مسجد، سال ۱۳۷۹، شماره ۵۴، صص ۹۰-۱۰۳، به چاپ رسیده است.

شد و به اجبار واکراه، گوشه عزلت و انزوا را برگزید، گروهی از مؤمنان ثابت قدم - که در کشاکش روزگار جانب باطل را بر حق ترجیح ندادند و حطام پست دنیا را با آخرت سودا نکردند - در همیشه تاریخ، مردانه بپا خاستند و از حقیقت و واقعیت، جانانه دفاع کردند و با گفتار و نوشتارشان، سیمای تابناک حق را نمایانند.

بدون شک، کتابها، گفتارها، شعرها و منبرهایی که در طول تاریخ در دفاع از مسئله امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و عترت طاهره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به منصب وجود و ظهور رسیده است، خارج از حد احصا و شمارش است؛ به طوری که شمار آنها را بجز خدای متعال، کسی نمی داند، چه بسیار، کتابهایی که از سوی دزدان و غارتگران که به دروغ نام خود را والی مسلمانان و امیر مؤمنان نامیده بودند و در عمل و کردار از شیاطین بدتر بودند نابود شد. چه بسیار، کتابخانه‌هایی که در قم، ری، بغداد، مصر و حلب، به دست نابخردان به آتش کشیده شد، چه بسیار، خونهای پاک علمای شیعه که به جرم حق‌گویی، حق‌خواهی و دفاع از کرامت و خلافت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، بر زمین ریخته شد. آری! امامت علی بن ابی طالب علیه السلام به رایگان به دست ما نرسیده، و واقعیت و حقانیت علی علیه السلام، ارزان به آیندگان نرسیده است. شجره طیبه و درخت تناور امامت علی علیه السلام، با خون پاک و زحمات شبانه‌روزی علمای شیعه و دانشمندان منصف و روشن بین اهل سنت به دست ما رسیده است.

یکی از بزرگانی که عمر پر بار خویش را در راه دفاع از ساحت امامت علی علیه السلام نهاد و خود و خانواده بزرگوارش خدمات جاودانه‌ای را به علم و دانش اسلامی، ارائه دادند، علامه بزرگ، متکلم سترگ، فقیه محدث، مفسر ادیب و رجالی نامدار شیعه، عبقریة القرن، آیت الله سید میرحامد حسین موسوی هندی نیشابوری است. وی با پدید آوردن کتاب ارزنده و گران سنگ عبقات الانوار فی اثبات امامة الائمة الاطهار، حق بزرگی بر گردن عالم بشریت که - از حق دفاع نمود و از مسخ واقعیت جلوگیری کرد - و منت عظیم بر ذمه مذهب امامیه دارد. براستی در طول



تاریخ، با قدردانی و سپاسگزاری از زحمات تمام متکلمان، محدثان و عالمان بزرگ شیعه مانند: شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و علامه حلی، کتابی بسان عباقت در اثبات امامت علی علیه السلام و تبیین و توضیح حقیقت و کشف خیانت مزدوران و قلم به داستان اجیر کاخهای زر، زور و تزویر، نگاشته نشده است.

در این مقال کوتاه، به شرحی مختصر از زندگی سراسر کوشش و تلاش آن بزرگمرد و خاندان جلیلش، اشاره می‌کنیم و سخن گسترده، به مجالی دیگر وا گذاشته می‌شود.

## ولادت

میرحامد حسین، در روز پنجم محرم الحرام ۱۲۴۶ ه. ق، در شهر «میرتهه» هند، در بیت علم، تقوا و فضیلت زاده شد. نسب وی با ۲۷ واسطه، به امام کاظم موسی بن جعفر علیه السلام می‌رسید. به هنگام ولادت، نام او را مهدی، کنیه اش را ابوظفر و شهرتش را «میرحامد حسین» نهادند.<sup>۱</sup> این، به خاطر آن بود که پدرش شبی نیای خود را در خواب دید. وقتی بیدار شد، خبر خوش ولادت فرزندش را شنید و نام جدش را بر او نهاد.<sup>۲</sup>

## نسب

این نسب نامه، که یکی از روشن‌ترین و والاترین نسبهای علمای شیعه به شمار می‌رود، عبارت است از:

میرحامد حسین، فرزند سید محمدقلی، فرزند سید محمدحسین معروف به الله کرم، فرزند حامد حسین، فرزند زین العابدین، فرزند سید محمد بولاقی، فرزند سید محمد معروف به سید ملا، فرزند سیدحسین معروف به سید میئر،

۱. مرعشی، المسلسلات، ج ۲، ص ۱۰۸.

۲. مرتضی حسین، مطلع انوار، ص ۱۸۰.

فرزند سید جعفر ، فرزند سید علی ، فرزند سید کبیرالدین ، فرزند سید شمس‌الدین ، فرزند سید جمال‌الدین ، فرزند سید شہاب‌الدین ابوالمظفر حسین ملقب بہ سید السادات و معروف بہ سید علاء‌الدین اعلیٰ بزرگ ، فرزند عزالدین محمد ، فرزند شرف‌الدین ابوطالب ، معروف بہ سید اشرف ، فرزند سید محمد ذی المناقب معروف بہ امامزادہ محمد محروق ، فرزند حمزہ ، فرزند علی ، فرزند ابو محمد ، فرزند جعفر ، فرزند مهدی ، فرزند ابوطالب ، فرزند علی بن حمزہ ، فرزند ابوالقاسم حمزہ ، فرزند ابوالبرہیم موسیٰ بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیہ السلام .<sup>۱</sup>

### سید شرف‌الدین ابوطالب

جد پانزدہم میرحامد حسین ، در حملہ قوم مغول بہ ایران ، از نیشابور بہ ہند رفت و در «کنتور» ماندگار شد . در آنجا ، وی بہ تدریس ، تألیف ، ہدایت دینی مردم و عبادت خداوند پرداخت . تا آنکہ از دنیا رفت و مرقد شریفش زیارتگاہ مردم شد . اینک ، سادات موسوی کنتور ، ہمگی از نوادگان وی بہ شمارند .<sup>۲</sup> در ہمین منطقہ فرزندان وی نشو و نما یافتند ، ترقی کردند و بہ سبب سیاست و خدمات بہ ملک و ملت ، بہ جاہ و جلال رسیدند .

### جد

نیای میرحامد حسین ، سید محمد حسین ، فقیہی بزرگ ، عالمی خدوم عابد و زاہدی بود کہ بہ خط خویش قرآن کریم و کتابہای : حق‌الیقین ، تحفۃ الزائر و جامع عباسی را استنساخ کرد ، کہ ہم اکنون در کتابخانہ ناصریہ موجود است وی در ۱۱۸۸ ہ . ق چشم از جہان فرو بست .<sup>۳</sup>

۱ . کشمیری ، نجوم السماء ، ج ۲ ، ص ۲۵ .

۲ . مولانا ، مقدمہ عیقات ، ج ۱ ، صص ۲۰ - ۲۱ ؛ مرتضیٰ حسین ، مطلع انوار ، ص ۵۹۹ .

۳ . مولانا ، مقدمہ عیقات ، ج ۱ ، ص ۱۹ ؛ کشمیری ، نجوم السماء ، ج ۱ ، صص ۲۲ - ۲۳ .

## پدر

والد بزرگوارش، مدافع حریم تشیع علامه بزرگ و متکلم سترگ، افتخار عالمان شیعه هند، جامع معقول و منقول آیت الله سید محمدقلی موسوی لکهنوی (۱۱۸۱ - ۱۲۶۰ ه. ق) است. وی از شاگردان آیت الله سید دلدار علی نقوی (۱۶۶ - ۱۲۳۵ ه. ق) و پیشوای شیعیان در زمان خود بود، که کتابهای بسیاری از وی به جای مانده است. برخی از آنها عبارتند از:

۱. تطهیر المؤمنین عن نجاسة المشركين<sup>۱</sup>
۲. الشعلة الظفرية فی الرد علی الشوكة العمرية<sup>۲</sup>
۳. الفتوحات الحیدریه، رد بر کتاب صراط المستقیم<sup>۳</sup>
۴. نفاق الشیخین بحکم احادیث الصحیحین (فارسی و چایی)<sup>۴</sup>
۵. تقریب الافهام فی تفسیر آیات الاحکام (فارسی)<sup>۵</sup>
۶. احکام عدالت علویه (فارسی)، در شرایط قاضی و مفتی<sup>۶</sup>
۷. الاجوبة الفاخرة فی رد الاشاعة<sup>۷</sup>
۸. سیف ناصری، رد باب اول کتاب تحفة اثنا عشریة
۹. تقلیب المكائد، رد باب سوم کتاب تحفة اثنا عشریة
۱۰. برهان السعادات، رد باب چهارم کتاب تحفة اثنا عشریة
۱۱. تشیید المطاعن، رد باب هشتم کتاب تحفة اثنا عشریة (۳ ج)

---

۱. تهرانی، الذریعة، ج ۴، ص ۲۰۲.

۲. همان، ج ۱۴، ص ۱۹۹.

۳. همان، ج ۱۶، ص ۱۶۶.

۴. مرتضی، حسین، مطلع انوار، ص ۶۰۶.

۵. تهرانی، الذریعة، ج ۴، ص ۴۶۶.

۶. همان، ج ۱، ص ۲۹۹.

۷. همان، ج ۲، ص ۶۷۷.

۱۲. مصارع الافهام، رد باب یازدهم کتاب تحفة اثنا عشریة (فارسی چاپ شده)<sup>۱</sup>

۱۳. التقیة<sup>۲</sup>

۱۴. الحواشی و المطالعات

او در فیصله دادن به دعواها و حل مشکلات، شهرت یافته بود. درباره کراماتش سخنها شنیده شده است. قبر شریفش در حسینیه غفران مآب قرار دارد. پس از وی، فرزندان او نیز در جوار پدر به خاک سپرده شدند.<sup>۳</sup>

### برادران

برادران میرحامد حسین، هریک از بزرگان علم و دین و از مفاخر علمای شیعه هند به شمار می‌رفتند. آنان عبارتند از:

۱. سید سراج حسین موسوی، که برادر مهتر معظم له، و از شاگردان پدر بزرگوارش و سید العلماء سید حسین نقوی (۱۲۱۱ - ۱۲۷۳ ه.ق) بود. وی، علاوه بر علوم دینی، بهره فراوانی از طب، فیزیک، ریاضی، هندسه و فلسفه داشت، زبان انگلیسی و عربی را براحتی می‌دانست، و بسیاری از بیماران و مبتلایان به وبا را درمان می‌کرد. وی در ۲ ربیع الاول ۱۲۸۲ ه.ق در اثر بیماری وبا درگذشت.<sup>۴</sup> از او تألیفاتی ظاهراً برجای نمانده و در کتابهای تراجم، بدان اشارتی نشده است. به نوشته سید مرتضی حسین:

«... او حالات امیرانه در لباس فقیرانه را دوست می‌داشت. لباس او از نوع

۱. میلانی، نفحات الازهار، ج ۱، ص ۱۵۹.

۲. همان، ج ۴، ص ۴۰۵.

۳. میلانی، نفحات الازهار، ج ۱، صص ۱۲۸ - ۱۳۱؛ قمی، فوائد الرضویة، صص ۵۹۵ - ۵۹۶؛ مولانا،

مقدمه عقبات الانوار، ج ۱، صص ۲۱ - ۲۵؛ مدرس خیابانی، ریحانة الادب، ج ۴، ص ۵۵؛ مرتضی

حسین، مطلع انوار، صص ۵۹۹ - ۶۰۱.

۴. لکهنوی کشمیری، نجوم السماء، ج ۱، ص ۲۹۰؛ تهرانی، کرام البررة، ج ۲، ص ۵۹۷.

پارچه دستبافت نخی بود، و از لباس عالمانه پرهیز می‌کرد. در لکهنو، خانه‌ای بزرگ داشت که در جنگ آزادی (۱۸۵۷ م) ویران شد. وقتی برادرش سید اعجاز حسین خبرش را به او داد، وی با بی‌توجهی پاسخ داد: «خوب شد. اسباب خودبینی شکست. نان خشک را بر غذای لذیذ ترجیح می‌داد. بیماران را معالجه و به آنها کمک می‌کرد. سلیمان - نایب بریتانیا - به او بسیار احترام می‌گذاشت. راجه رتن سنگه، او را به منطقه حکومت خود، به چرکھاری دعوت کرد. اما او شهریه بیش از صد روپیه را رد کرد، و در آن منطقه به بهبود وضع فقرا و بیماران پرداخت. او می‌گفت که بر اثر وبا یا مارگزیدگی خواهد مرد. و اتفاقاً، همین طور شد و به بیماری وبا درگذشت. و در آخرین لحظه، باگفتن یا علی! خاموش گشت و در چرکھاری به خاک سپرده شد. ماده تاریخ فوت وی: «چراغ دین خاموش شد»، است.

مزارش محل زیارت مردم است. و با زیارت قبرش، دعاهای مردم به اجابت می‌رسد و کرامات وی ظاهر می‌شود. می‌گویند: سالی، قحطی اتفاق افتاد. یک نفر هندو در ظرفی برنجی آب آورد و بر قبرش ریخت و گفت: «مولوی بابا، ما داریم تلف می‌شویم باران بفرست». کار خدا بود که همان روز، باران آمد. فرزندان او، مولانا عنایت حسین و مولانا کرامت حسین بوده‌اند»<sup>۱</sup>.

فرزندش، سید کرامت حسین، در ۱۲۶۹ ه. ق به دنیا آمد. وی پس از فقدان پدر و مادرش، به عموی بزرگوارش میرحامد حسین پیوست و به تحصیل علوم دینی روی آورد. علاوه بر آنها، وی علوم: تاریخ، جغرافیا، هیأت و نجوم، جفر و کیمیا، طب، قانون، سیاست و زبانهای: فارسی، انگلیسی، آلمانی، لاتین، فرانسه، عبری و سریانی را فراگرفت و در پاره‌ای از آنها مهارت فراوان یافت.

۱. مرتضی حسین، مطلع انوار، صص ۲۹۰-۲۹۱.

سپس، وی اسب سواری، دامپزشکی، پهلوانی، شنا، سپاهیگری، آشپزی و دیگر فنون را آموخت.

او در طول زندگی اش، به سمت استادی کالج راجکمار، سرپرستی علوم دینی، میرمنشی حکومت، وزارت ایالت نرسنگه گره رسید. سپس، در ۱۸۸۶ م وی همراه راجه پرتاب سنگه، عازم انگلیس شد و در همان جا برای تحصیل علم حقوق ماند و زبان آلمانی را هم فراگرفت. او پس از بازگشت به وطن، در ۱۸۹۰ م به کار و تدریس وکالت و علم حقوق در کالج مرکزی میوراله آباد پرداخت. او برای ادامه تحصیل زنان کوشش کرد. لذا، وی بیشتر وقت خود را به امور دبیرستان دخترانه «مسلم» لکهنو اختصاص داد، و اندوخته‌هایش را به صندوق کمک به تعلیم زنان می‌پرداخت.

وی فردی ادیب بود و صدها شعر عربی، فارسی، اردو و انگلیسی را از حفظ داشت. می‌توان او را قانونگذار و مصلح ملت دانست؛ چراکه نیازهای مردم را برطرف می‌کرد. این نوع شخصیت، برای نسل جدید جاذبه داشت. سرانجام در ۶۵ سالگی در سال ۱۳۲۵ ه. ق/ ۱۹۱۷ م درگذشت.

از آثار وی، کتابهای: فقه اللسان (عربی چاپی)، الحقوق و الفرائض، امور عامه (عربی چاپی)، علم القانون و علم الاخلاق (فارسی و اردو) را می‌توان نام برد.<sup>۱</sup>

۲. سید اعجاز حسین موسوی، که دومین برادر میرحامد حسین، و از بزرگان علما و اعظام فقها بود، در ۲ رجب المرجب ۱۲۴۰ ه. ق زاده شد. از نخستین روزهای کودکی اش، آثار بزرگی، استعداد و علم در او به چشم می‌خورد. وی نزد پدرش و علمای دیگر فقه، اصول، تاریخ، حدیث، رجال، کلام و تفسیر را فراگرفت و از سید حسین سیدالعلماء و سید محمدسلطان العلماء اجازات علمی دریافت کرد. او به پیروی از سیره خانوادگی اش، به بحث، تحقیق و تتبع روی آورد

۱. مرتضی حسین، مطلع انوار، صص ۴۵۲-۴۵۴.

و کتابهای بسیاری را به سامان رسانید. وی بقدری نیرومند بود، که مردی تنومند را بر روی تختی می‌نشاند و آن را با دستهایش بلند می‌کرد. وی فردی بلند همت، بی‌توجه به اموال دنیا، زاهد، قانع و ساده زیست بود؛ به طوری که از اموال موروثی پدرش استفاده نکرد و همه را در راه خیر مصرف نمود. او با کار در دستگاه دولتی، گذران زندگی می‌کرد و از این راه، گره از کار بسیاری از مؤمنان و شیعیان می‌گشود. سید اعجاز حسین مانند میرحامد حسین، از کاغذهای ساخت مسلمانان و شیعیان استفاده می‌نمود، در کارهای علمی و تحقیقات به برادرش کمک می‌کرد و همواره وقتش به تألیف، تحقیق، استنساخ کتابها و گردآوری کتابهای نایاب می‌گذشت. وی علاوه بر خدمت به مردم، تألیفات فراوانی داشت که عبارتند از:

۱. کشف الحجب والاستار: در این کتاب، حدود ۳۵۰۰ نوشتار علمای شیعه

معرفی شده است.

۲. شذور العقیان فی تراجم الاعیان: این کتاب، شرح احوال علمای شیعه است.

۳. القول السدید فی رد الرشید

۴. مناظره با جان محمد لاهوری

۵. شرح حال میرزا محمد دهلوی مؤلف النزهة الاثنا عشریة، رد بر تحفه اثنا عشریة

وی در ۱۷ شوال ۱۲۸۶ ه. ق، در ۴۶ سالگی درگذشت و در حسینیه غفران

مآب - کنار پدرش - به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

## دانش اندوزی

زمانی که میرحامد حسین هفت ساله بود، در روز هفدهم ربیع الاول ۱۲۵۲ ه. ق،

---

۱. کشمیری، نجوم السماء، ج ۱، صص ۲۹۲-۲۹۳؛ تهرانی، کرام البررة، ج ۱، صص ۱۴۸-۱۵۰؛ امین،

اعیانالشیعة، ج ۳، ص ۴۶۷؛ میلانی، نفحات الازهار، ج ۱، صص ۱۳۹-۱۴۱؛ مرتضی حسین، مطلع

انوار، ص ۱۱۹.

سالروز ولادت پیامبر اکرم ﷺ و امام صادق علیه السلام، از سوی پدر بزرگوارش به مکتب گذاشته شد و نزد شیخ کر معلی خواندن و نوشتن را آموخت. پس از زمانی کوتاه، پدرش خود عهده‌دار تعلیم و تربیت او شد، و ادبیات و مقدمات را به او آموخت. این مرحله تا ۱۴ سالگی اش به طول انجامید. در پانزدهمین سال زندگی اش، تندباد اجل گوهر پدرش را از کفش ربود و گرد یتیمی بر سرش نشست. اما او در سایه پرمهر برادران عالم و دانشمندش، به تحصیل علوم ادامه داد و فقه، اصول، حدیث، کلام، ادبیات و دیگر علوم را بخوبی فراگرفت.

### استادان

استادان آن بزرگمرد عالم علم و دین، عبارتند از آیات عظام:<sup>۱</sup>

۱. علامه کبیر سید محمد قلی موسوی (۱۱۸۸ - ۱۲۶۰ ه. ق.)، صاحب تشیید

المطاعن

۲. علامه سید حسین بن سید دلدار علی نقوی (۱۲۱۱ - ۱۲۷۳ ه. ق.)، ملقب

به «سید العلماء»، و صاحب روضة الاحکام فی مسائل الحلال والحرام، که نسخه مناہج التدقیق او، که به وسیله میرحامد حسین خوانده شده و بر آن حاشیه نوشته بود، هنوز باقی است و نشاندهنده معلومات و هوش او است.

۳. علامه سید مرتضی بن سید محمد بن سید دلدار علی نقوی، ملقب به «خلاصة العلماء»، که میرحامد حسین، نزد وی منطق، فلسفه و کلام را آموخت.

۴. مولوی برکت علی صاحب حنفی، که میرحامد حسین، مقامات حریری و دیوان متنبی را نزد وی آموخت.

۵. علامه مفتی سید محمد عباس شوشتری (د. ۱۳۰۶ ه. ق.)، که میرحامد

حسین نهج البلاغه را نزد معظم له آموخت.

۱. موسوی کاظمی، احسن الودیعة، ص ۱۰۳؛ میلانی، فحاحات الازهار، ج ۱، صص ۱۳۵ - ۱۳۶؛ مرتضی

حسین، مطلع انوار، ص ۱۸۰.



۶. علامه بزرگوار سید محمد بن سید دلدار علی نقوی (۱۱۹۹-۱۲۸۴ ه. ق.)، ملقب به سلطان العلماء که میرحامد حسین نزد ایشان فقه، اصول و حدیث را فرا گرفت.

## شاگردان

میرحامد حسین پس از فراغ از تحصیل، به تدریس، تألیف، هدایت دینی مردم و تربیت شاگردان پرداخت. برخی از پرورش یافتگان آن فقیه بزرگ، عبارتند از آیات عظام و علمای اعلام:<sup>۱</sup>

۱. سیدناصر حسین موسوی (۱۲۸۴-۱۳۶۱ ه. ق.)، فرزند بزرگش و صاحب اثبات رد الشمس و اسباغ النائل (۸جلد)

۲. سید سراج حسین موسوی (۱۲۳۸-۱۲۸۲ ه. ق.)، برادر بزرگترش

۳. قاضی کرامت حسین موسوی (۱۲۶۹-۱۳۳۵ ه. ق.)، برادر زاده اش و صاحب فقه اللسان و علم الاخلاق

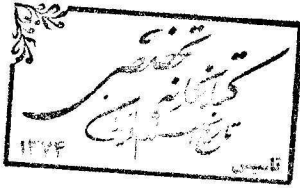
۴. سید تصدق حسین موسوی (۱۲۶۳-۱۳۴۸ ه. ق.)، صاحب نورالعین فی ترجمة ابصار العین فی انصار الحسین

۵. سید غلام حسنین کنتوری (۱۲۴۷-۱۳۳۷ ه. ق.)، شوهر خواهرش و صاحب انتصار الاسلام (۳جلد)

۶. سید عباس حسین رضوی جارچوی (۱۲۴۰-۱۳۴۵ ه. ق.)، صاحب کشکول عباسی و حسام عباسی

۷. میرزا محمد علی کشمیری لکهنوی (د. ۱۳۰۹ ه. ق.)، صاحب نجوم السماء او در خلال این زمان، در آغاز به تکمیل و تهذیب کتابهای پدرش پرداخت، و سالها در این راه زحمت کشید. سپس، خود به تألیف کتابهای مختلف در فقه، کلام، حدیث، شعرو ادب، تفسیر و تاریخ دست زد.

۱. مرتضی حسین، مطلع انوار، ص ۱۸۰.



### سفر حج

در سال ۱۲۸۲ ه. ق، میرحامد حسین به حج بیت الله الحرام مشرف شد. در این سفر، وی علمای بزرگ را دیدار کرد و نسخه‌های خطی نادر و کتابهای با ارزش را فراچنگ آورد. در این سفر، برادر بزرگترش، مولانا اعجاز حسین، و شاگردش، تصدق حسین و نواب تهور جنگ، همراه وی بودند. شخصیت جامع و عظیم معظم له بر نواب تهور جنگ اثر کرد، و در آینده برای ارتقای علمی وی مؤثر واقع شد. وی از لکهنو تا مکه، پیوسته در جستجوی علما و کتابهایشان، و تحقیق رجال و تتبع حدیث بود. هر جا که او می‌رسید، علما از وی استقبال می‌کردند. هنگامی که او به کتابخانه‌ها مراجعه می‌کرد، چندین روز به مطالعه می‌پرداخت و از کتابها یادداشت برمی‌داشت. برادرش هم کتاب‌شناس و عاشق علم، و خود نیز مصنف و صاحب نظر بود. وقتی علمای شیعه و سنی آنان را ملاقات می‌کردند، از حافظه، هوش و استعداد میرحامد حسین در شگفت می‌ماندند. مولانا از راه دریا به مکه رفت و در فرصتهای مناسب، از مطالعه و تحقیق دست بر نمی‌داشت و کتابهای بسیاری را به دست آورد ایشان بعد از انجام دادن حج و مراجعه به عراق و ایران، بازهم به ذخایر علمی خود افزود. مقام علمی مولانا و احترام او در لکهنو - و تمام جهان اسلام - بویژه بعد از سفر حج، مسلم شد؛ به طوری که از تمام کشور هند درباره کلام، حدیث شیعه، فقه و دیگر علوم به او مراجعه می‌کردند.

### تالیفات

میرحامد حسین در زمانی دست به تحقیق و تألیف زد، که حکومت شیعی سلاطین اوده در حال زوال و هند دچار مشکلات بود و اغتشاشات سیاسی و فکری فضای کارهای علمی را به تباهی کشیده بود. اقتدار و قدرت شیعه از بین رفته و لکهنو آماجگاه طوفان بود و سازمانها از هم گسیخته. حمله‌های سیاسی و مذهبی

بر شیعیان شدیدتر و علما پراکنده شده بودند. آرامش وجود نداشت. در این بحران، میرحامد حسین شمع فروزان علوم اسلامی را در دامن خود پنهان کرده، از حوادث روزگار در امان نگاه داشته، و در حال پیشرفت کارهای علمی خود بود. وی کتابخانه‌ای با ارزش بنا کرد، دائرة المعارف عظیمی درباره اختلافات شیعه و سنی نوشت، و راه جدیدی برای بحث و تحقیق پیدا کرد. علوم روایت و درایت را تا حد اجتهاد گسترش داد، مناظره و استدلال را احیا کرد، و در فن تحریر و اظهار نظر در روایات روش جدیدی را پیش گرفت.<sup>۱</sup>

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی می‌نویسد:

«کتابهای با عظمت او، دریای ژرف اندیشی و باریک‌بینی را پر موج کرده است و هرکس به آثارش بنگرد، درمی‌یابد که او دریای بیکرانی است که ساحل ندارد.»<sup>۲</sup>

مدرس خیابانی می‌نویسد:

«برخی از بزرگان تصریح کرده‌اند که تألیفات وی، به ۲۰۰ جلد می‌رسد.»<sup>۳</sup>

تألیفات وی بجز عبققات، عبارتند از:

۱. استقصاء الافهام و استیفاء الانتقام: این کتاب، در ۱۰ جلد و به فارسی است، و مدت شش ماه تألیف آن طول کشید. این کتاب ردی بر کتاب منتهی الکلام حیدرعلی فیض آبادی حنفی است که در رد شیعیان و در موضوع تحریف قرآن و وجود امام زمان نگاشته شده بود. فیض آبادی می‌پنداشت که کس را توانایی پاسخگویی به کتابش نیست و ادعا کرده بود که اگر همه شیعیان از پیشین و پسین گرد هم آیند، نمی‌توانند به کتابش پاسخ دهند. اما میرحامد حسین، این فرزند

۱. مرتضی حسین، مطلع انوار، ص ۱۷۹.

۲. تهرانی، نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۴۹.

۳. مدرس خیابانی، ریحانة الادب، ج ۳، ص ۴۳۲.

- غیرتمند و مدافع حریم اهل بیت علیهم السلام، دامن همت بر کمر بست و در مدت شش ماه، آن را به پایان برد. و این نگاشته، نخستین کتاب او بود. این پاسخ آنچنان کوبنده و قاطع بود، که هرچه فیض آبادی، مؤلف منتهی الکلام، خواست تا چاره‌ای بیندیشد و نقدی بر آن بنویسد - با اینکه گروهی هم برای یاری اش شتافتند - نتوانست. برای مطالب منطقی و استدلالی میرحامد حسین، پاسخی بیابد.<sup>۱</sup>
۲. افحام اهل المین، در رد بر ازالة الغین نوشته حیدرعلی فیض آبادی.<sup>۲</sup>
۳. اسفار الانوار عن حقائق افضل الاسفار: این کتاب، شرح سفر به بیت الله الحرام، مدینه منوره و عتبات عالیات است<sup>۳</sup> کتاب در معجم المؤلفین، از آن به «الرحلة المکیة والسوانح السفریة» تعبیر شده است.<sup>۴</sup>
۴. الظل الممدود و الطلح المنضود<sup>۵</sup>
۵. الشریعة الغراء: مجموعه فقه کامل است<sup>۶</sup>
۶. الشعلة الجوّالة: درباره آتش زدن قرآنها در زمان عثمان است.<sup>۷</sup>
۷. شمع المجالس: قصائد و اشعاری در مرثیه امام حسین علیه السلام است.<sup>۸</sup>
۸. شمع ودمع: مجموعه شعر فارسی است.<sup>۹</sup>
۹. الدرر السنیة فی المکاتیب والمنشآت العربیة<sup>۱۰</sup>

۱. تهرانی، الذریعة، ج ۲، ص ۳۱؛ همو، نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۴۹؛ کشمیری، نجوم السماء، ج ۲، صص

۲۸-۲۹.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۵۷.

۳. همان، ص ۶۰.

۴. کحاله، معجم المؤلفین، ج ۳، ص ۱۷۸.

۵. تهرانی، الذریعة، ج ۱۵، ص ۲۰۱.

۶. همان، ج ۱۴، ص ۱۸۷.

۷. همان، ص ۱۹۸.

۸. تهرانی، الذریعة، ج ۱۴، ص ۲۳۱.

۹. همان، ص ۲۳۳.

۱۰. همان، ج ۸، ص ۱۲۶.

۱۰. الذرایع فی شرح الشرایع: چندین جلد در ابواب فقہی است<sup>۱</sup>
۱۱. زین الوسائل الی تحقیق المسائل: مشتمل بر فتاویٰ فقہی و مطالب دیگر است<sup>۲</sup>
۱۲. کشف المعضلات فی حل المشکلات<sup>۳</sup>
۱۳. العصبۃ البتار فی مبحث آیۃ الغار: نسخہ آن، در کتابخانہ داود کراچی موجود است<sup>۴</sup>
۱۴. النجم الثاقب فی مسئلۃ الحاجب: موضوع این کتاب، مسئلہ ارث است<sup>۵</sup>
۱۵. الطارف: مجموعہ معماها و لغزهاست<sup>۶</sup>
۱۶. صفحۃ الالماس فی احکام الارتماس<sup>۷</sup>
۱۷. العشرۃ الکاملۃ: پاسخ و بررسی ۱۰ مسئلہ مشکل است<sup>۸</sup>
۱۸. شوارق النصوص: موضوع کتاب، علم کلام است کہ در پنج جلد نگاشته و چاپ شد<sup>۹</sup> او در این کتاب، حافظہ و قدرت استدلال خود را بہ کمال رسانید<sup>۱۰</sup>
۱۹. درۃ التحقیق<sup>۱۱</sup>
۲۰. عبقات الانوار فی اثبایۃ امامۃ ائمة الاطهار علیہم السلام

۱. همان، ج ۱۰، ص ۲۳.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۲۳.

۳. همان، ج ۱۸، ص ۶۳.

۴. همان، ج ۱۵، ص ۲۷۷.

۵. همان، ج ۲۴، ص ۶۹.

۶. همان، ج ۱۵، ص ۱۳۳.

۷. همان، ص ۴۷.

۸. همان، ج ۲، ص ۳۱.

۹. کشمیری، تکملۃ نجوم السماء، ج ۲، ص ۳۱؛ تهرانی، الذریعۃ، ج ۱۴، ص ۲۴۰.

۱۰. مرتضیٰ حسین، مطلع انوار، ص ۱۸۱.

۱۱. مرتضیٰ حسین، مطلع انوار، ص ۱۸۱.

## عِبَقَاتِ الْاِنْوَارِ

این کتاب، بزرگترین موسوعه شیعه در اثبات امامت، و ارزنده‌ترین نوشتار میرحامد حسین است؛ تا بدانجا که، به «صاحب عبقات» مشهور شد و خانواده‌اش، شهرت «عبقاتی» را برای خود برگزیدند. استاد محمدرضا حکیمی درباره آن می‌نویسد:

«براستی کتاب عبقات، عظیم است. آن اقیانوس بیکران و آن دریای ژرف، این کتاب است. این چنین کتابی، در دیگر آفاق بشری و فرهنگی ملتها نیز همانند ندارد. هرچه دانشمندان و عالمان بزرگ درباره آن گفته‌اند و هرچه سپس بگویند، حق است. اینهمه آگاهی و عمق، این همه معرفت و استقصا، این وسعت دامنه اطلاع، این خبرویت و تبحر، این حوصله و دقت این جمع و تدوین، این بحث و شناخت، این عرضه و استدلال، این قوام و ماده، اینها همه براستی اعجازی است در عالم فکر و تألیف، و در عرصه قدرتهای انسانی»<sup>۱</sup>.

علامه بزرگوار شیخ آقا بزرگ تهرانی می‌نویسد:

«مهمترین و پرآوازه‌ترین اثر او، عبقات الانوار است. این کتاب به فارسی نوشته شده، درباره امامت بوده و بزرگترین کتابی است که از صدر اسلام تاکنون درباره امامت نوشته شده است. عبقات، بیش از ۱۰ جلد بزرگ است که در پاسخ به کتاب تحفه اثنا عشریه عبدالعزیز دهلوی نوشته شده است. مؤلف تمام حقایقی را که دهلوی در باب امامت انکار کرده، با بهره‌گیری از احادیث و اخباری که از طریق اهل سنت نقل شده، ثابت کرده است»<sup>۲</sup>.

۱. حکیمی، یادنامه علامه امینی، ص ۵۵۲.

۲. تهرانی، نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۴۸.

در این کتاب، مؤلف بزرگوار چیرگی و تسلط خود را بر علوم تفسیر، حدیث، رجال، تاریخ، کلام، لغت، نثر فارسی و عربی، انشاء خطب و نظم و ادب نمایانده است.

## تقریظها

به مجرد آنکه این کتاب در هند، ایران و عراق منتشر شد، سیل تقریظها و نامه‌های تمجید و تشویق و اشعار بسیار درباره آن، به سوی مؤلف بزرگوار سرازیر شد. آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی (د. ۱۳۱۲ ه. ق.)، پیشوای بزرگ شیعیان، به لزوم خواندن این کتاب بر هر مسلمان، و به وجوب نشر و ترویج کتاب به هر طریق ممکن، فتوا داد.

آیت الله شیخ زین العابدین مازندرانی (د. ۱۳۰۹ ه. ق.)، مرجع تقلید معروف و بزرگ شیعیان، به مقلدانش در هندوستان حکم داد که در کوتاهترین زمان به چاپ کتاب بپردازند، و تمام قدرت مالی و فکری خودشان را در اختیار میرحامد حسین بگذارند تا این کتاب به چاپ رسد.<sup>۱</sup>

حضرات آیات عظام: میرزای شیرازی، شیخ زین العابدین مازندرانی، محدث نوری، سید محمد حسین شهرستانی، سید اسماعیل صدر، سید ریحان الله کشفی، شیخ الشریعه اصفهانی، میرزا ابوالفضل تهرانی، آقا میرزا حسن سبزواری و دهها نفر دیگر از عالمان و دانشمندان، از جمله تقریظ نویسان بر این کتاب به شمار می‌روند.<sup>۲</sup>

مجموعه این ۲۷ تقریظ، در کتاب سواطع الانوار فی تقریظات عبقات الانوار نوشته شیخ عباس هندی شروانی گرد آمد، و در لکهنو به سال ۱۳۰۳ ه. ق چاپ شد.<sup>۳</sup> همچنین، خود میرحامد حسین آن تقریظها و هم نامه‌هایی را که به علمای زمان

۱. میلانی، نفحات الازهار، ج ۱، ص ۱۱۰.

۲. میلانی، نفحات الازهار، ج ۱، صص ۱۱۱-۱۱۸؛ حکیمی، میرحامد حسین، ص ۱۴۲.

۳. تهرانی، الذریعة، ج ۱۲، ص ۲۴۱؛ مدرس خیابانی، ریحانة الادب، ج ۲، ص ۴۳۳؛ واعظ خیابانی،

علمای معاصرین، ص ۳۰.

خویش نگاشت، همه را در دو جلد گردآورد و نام آن را مختصاتنا نهاد؛ که نسخه خطی آن در کتابخانه اش موجود است.<sup>۱</sup>

شیخ زین العابدین مازندرانی، در بخشی از تقریظ خویش می نویسد:

«... چون متدرجا مجلدات کتب مؤلفات و مصنفات آن جناب سامی صفات که عبارت از استقصاء الافهام و عبقات بوده باشد، در این صفحات به دست علما و فضلاء این عتبات عرش درجات ملحوظ و مشاهده افتاد، به اضعاف مضاعف آنچه شنیده می شد، دیده شد.

کتاب «احکمت آیاتہ ثم فصلت من لدن حکیم خبیر» از صفحاتش نمودار، «کتاب مرقوم یشہدہ المقربون» از اوراقش پدیدار.

از عناوینش، «آیات محکمت ہن ام الکتاب» پیدا، و از مضامینش «ہذا بلاغ للناس ولینذروا به ولیعلموا انہ الحق ولیدکر اولوالالباب» ہویدا.

از فصولش عالمی را تاج تشیع و استبصار بر سر نہادہ، و از ابوابش بہ سوی «جناب عدن تجری من تحتہا الانہار» بابہا گشادہ.

کلماتش «وجعلناہا رجوماً للشیاطین»، کلامش «اللعنة الله على القوم الظالمین»، مفہیمش «ألم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لاتعبدوا الشیطان انہ لکم عدو مبین»، مضامینش در لسان حال اعدا «یالیت بینی و بینک بعد المشرقین و بس القرین»، دلایلش «ہذا بیان للناس و ہدی و موعظۃ للمتقین»، براہینش «کتاب انزل الیک فلیکن فی صدرك حرج منہ لتندربہ و ذکری للمؤمنین».

برای دفع یا جوج و مأجوج مخالفین دین مبین، سدی است متین. و از جهت قلع و قمع زمرہ معاندین مذهب و آیین، چون تیغ امیرالمؤمنین. سیمرغ سریع النقل عقل از طیران بہ سوی شرف اخبارش عاجز، ہمای تیزبای خیال از وصول بہ سوی غرف آثارش قاصر. کتبی بہ این لیاقت و

۱. طباطبائی، الغدیر فی التراث الاسلامی، ص ۱۴۵.



متانت و اتقان تا الان، از بنان تحریر نحری سرزده، و تصنیفی در اثبات حقیقت مذهب و ایقان تا این زمان، از بیان تقریر خبرخبری صادر و ظاهر نگشته. از عباتش رائحه تحقیق وزان، و از استقصایش استقصار بر جمیع دلائل قوم عیان؛ و لله درّ مولفها و مصنفها: «أكان للناس عجاآن أوحینا الی رجل منهم ان انذر الناس و بشر الذین آمنوا ان لهم قدم صدق عند ربهم قال الكافرون ان هذا لساحر مبین». <sup>۱</sup>

### شیوة کتاب عبات

مؤلف بزرگوار در این کتاب، احادیثی را که مؤلف تحفه اثنا عشریه در دلالت آنها بر امامت حقّه امیرالمؤمنین علیه السلام انکار و تشکیک کرد، به بحث نهاد و درستی دلالت آنها را ثابت کرد. این احادیث، عبارتند از:

۱. حدیث غدیر، «من كنت مولاه فعلى مولاه»: این مجلد به سعی و اهتمام حضرت امام خمینی (ره)، در ۶۰۰ صفحه رحلی، در سال ۱۳۶۹ ه. ق / ۱۳۲۹ ش - ر تهران چاپ شد. امام (ره) در صفحه عنوان، از خود به نام برخی از فضلاء حوزه علمیه قم تعبیر کرد. امام خمینی (ره) درباره آن می نویسد:

«هر کس که بخواهد اطلاع از چگونگی حدیث غدیر پیدا کند، باید رجوع کند به عبات الانوار سید بزرگوار و علامه روزگار میرحامد حسین هندی که در دو جلد بزرگ در حدیث غدیر تصنیف کرده و چنین کتابی تا کنون نوشته نشده [است]. ... بر علمای شیعه بالخصوص و دیگر طبقات لازم است که این کتاب بزرگ را که بزرگترین حجت مذهب است، نگذارند از بین برود و به طبع آن اقدام کنند». <sup>۲</sup>

۲. حدیث منزلت «یا علی انت منی بمنزلة هارون من موسی»

۱. میلانی، نفحات الازهار، ج ۱، صص ۱۱۵-۱۱۶.

۲. امام خمینی، کشف اسرار، ص ۱۴۱ و ۱۵۷.

۳. حدیث ولایت « ان علیاً منی و انامنه و هو ولی کل مؤمن من بعدی »  
 ۴. حدیث طیر « اللهم ائتني باحب الناس اليك يأكل معي هذا الطير فجاء علي  
 فاكل معه »

۵. حدیث باب « انا مدينة العلم و علی بابها »

۶. حدیث تشبیه « من اراد ان ينظر الى آدم في علمه و الى نوح في تقواه... »

۷. حدیث مناصبه « من ناصب عليا الخلافة فهو كافر »

۸. حدیث نور « كنت انا و علی نوراً بين يدي الله قبل ان يخلق آدم باربعة عشر

الف عام... »

۹. حدیث ثقلین و حدیث سفینه « اني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي

اهل بيتي... »

۱۰. حدیث خیر « لاعطين الراية غداً رجلاً يحب الله و رسوله و يحبه الله و رسوله »

مؤلف در این کتاب، نخست در سند حدیث بحث کرده، و تواتر آن را از دیدگاه  
 علمای اهل سنت (صحابه، تابعان، محدثان و مؤلفان) و کتابهای: تفسیر،  
 حدیث، تاریخ و کلام بر حسب تاریخ وفات آنان، ثابت کرده است. سپس، علامه  
 در دلالت حدیث بر امامت امیر مؤمنان عليه السلام به ادله عقلی و نقلی، از کتابهای مختلف  
 اهل سنت پرداخته و بخوبی از عهده برآمده است.

آیت الله میرحامد حسین تا زنده بود، کار تألیف و پژوهش احادیث: غدیر،  
 منزلت، ولادت، تشبیه و حدیث نور را به سامان رسانید، و همه آنها در همان زمان  
 به چاپ رسید.

اما کار پژوهش احادیث: طیر، باب، ثقلین، مناصبه و حدیث خیر، به پایان  
 نرسید. میرحامد حسین فقط موفق شد شیوه کار، رئوس مطالب، امهات مباحث،  
 و سرآغاز مصادر را بنویسد. پس از او، فرزندش آیت الله سید ناصر حسین،  
 احادیث: طیر، باب، ثقلین و سفینه را به سامان رسانید، که در چندین جلد چاپ  
 شد. پس از وی، فرزندش، علامه سید محمد سعید، کار حدیث مناصبه و حدیث

خیبر - فقط بحث سندی - را پی گرفت و هر دو را تکمیل کرد؛ که هنوز چاپ نشده است .  
پس ، مجلدات چاپ شده عبقات ، ۱۶ جلد بزرگ درباره ۸ حدیث - هر حدیث  
در ۲ جلد ( سند و دلالت ) - بوده است ، که بعدها مکرر تجدید چاپ شد .

### کارهایی پیرامون عبقات

۱. الثمرات فی تلخیص العبقات : محسن الملة سيد محسن نواب رضوی  
لکهنوی ( ۱۳۲۹ - ۱۳۸۹ هـ . ق ) این کتاب را به عربی ترجمه و تلخیص کرد .<sup>۱</sup>
  ۲. فیض القدير فی ما يتعلق بحديث الغدير : علامه حاج شیخ عباس قمی  
( ۱۲۹۰ - ۱۳۵۹ هـ . ق ) ، مجلد حدیث غدیر را تلخیص کرد . این کتاب بارها از  
جمله با همت حضرت آقای رضا استادی چاپ شد .<sup>۲</sup>
  ۳. حدیث « مدینه العلم » : سید محمد سعید موسوی عبقاتی این مجلد را  
تعریب و تلخیص کرده ، و در نجف به چاپ رسید .
  ۴. تحقیق مجلد حدیث غدیر : استاد غلامرضا مولانا بروجرودی دو جلد حدیث  
غدیر را بخوبی تحقیق کرد ، که با مقدمه و پاورقی در ۱۰ جلد در قم چاپ شد .<sup>۳</sup>
  ۵. نفحات الازهار فی خلاصة عبقات الانوار : علامه استاد سید علی حسینی  
میلانی دام ظلّه العالی تمام کتاب عبقات را از آغاز تا پایان تعریب و تلخیص کرد ، و  
آن قسمتی را هم که میرحامد حسین موفق به تألیف آن نشده بود - شش آیه قرآنی  
دال بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام - به شیوه مؤلف نگاشت و با مشاهده نسخه های  
چاپ نشده عبقات ، آن را بخوبی تلخیص ، تعریب ، تنظیم و تحقیق کرد ، که در  
۲۰ جلد به چاپ رسید .
- وی در مقدمه نخستین جلد کتاب حدیث ثقلین ، کتابی به نام دراسات فی کتاب

۱. طباطبایی ، الغدير فی التراث الاسلامی ، ص ۱۹۳ .

۲. همان ، ص ۱۶۱ .

۳. طباطبایی ، الغدير فی التراث الاسلامی ، ص ۱۴۶ .

- العبقات نگاشته و دربارهٔ روش آن بحث کامل و مستوفی کرده است .
۶. تعریب عبقات الانوار: استاد سید هاشم امین عاملی ( ۱۳۳۰ - ۱۴۱۲ ه.ق) مجلد حدیث غدیر و برخی مجلدات دیگر را عیناً تعریب کرده است.<sup>۱</sup>

### بهره‌گیری از عبقات

- عبقات ، از نخستین روزی که چاپ شد ، مورد استفادهٔ علمای بزرگ در کتابهای :  
تفسیر ، حدیث ، کلام و تاریخ قرار گرفت . برخی از ایشان ، عبارتند از :<sup>۲</sup>
۱. محدث نوری در کتاب مستدرک الوسائل و کتابهای دیگرش
  ۲. ملا احمد کوزه کنانی در هدایة الموحدین
  ۳. میرزا ابوالفضل تهرانی در شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور
  ۴. سید صدیق حسن خان قنوجی ، از علمای اهل سنت هند ، در ابجد العلوم
  ۵. سید مرتضی حسین فتح پوری در تفسیر التکمیل
  ۶. سید سبط الحسن لکهنوی در حدیث الغدیر
  ۷. حاج شیخ عباس قمی در کتابهای خود
  ۸. علامه شیخ عبدالحسین امینی در الغدیر فی الکتاب و السنة والادب
  ۹. شیخ قوام الدین و شنوی قمی در حدیث الثقلین
  ۱۰. شاگردان آیت الله بروجرودی در جامع احادیث الشیعة
  ۱۱. شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در اصل الشیعة و اصولها
  ۱۲. شیخ محمد جواد بلاغی در آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن  
بالجملة ،

« هرکس کتاب مستطاب عبقات را مطالعه کند ، می‌داند که در فن کلام  
بوژه در مبحث امامت از صدر اسلام تا کنون ، احدی بدین منوال سخن

۱. همان ، صص ۲۱۶-۲۱۷ .

۲. میلانی ، نفحات الازهار ، ج ۱ ، صص ۱۱۰-۱۲۵ .

نرانده و بر آن نمط تصنیف نپرداخته . والحق ، عیان است که این احاطه و اطلاع وسعه نظر و طول باع نیست ، جز به تأیید و اعانت حضرت اله و توجه حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه <sup>۱</sup>»

سخن درباره این کتاب عظیم و شیوه آن ، بسیار بیشتر از آن است که در این نوشتار بگنجد ، طالبان تفصیل را به کتاب پراج دراسات فی العبقات ، نوشته استاد علامه سید علی میلانی حوالت می دهیم . امید است که در مقاله ای دیگر ، بتوانیم از نقش عظیم و ارزنده عبقات در بیداری امت اسلامی و وحدت بین مذاهب سخن گوئیم .

### عبقات و استبصار مخالفان

عبقات ، تأثیر بسزایی در روشن شدن حق و محو باطل داشته است . آیت الله شیخ زین العابدین مازندرانی ، به مؤلف نوشته است :

«...از فصولش عالمی را تاج تشیع و استبصار بر سر نهاده و از ابوابش به سوی «جنات عدن تجری من تحتها الانهار» بابها گشاده ، ...» .

از آن زمان به بعد ، گروه بسیاری به برکت این کتاب و کتابهای : الغدیر علامه امینی و المراجعات سید شرف الدین به سوی تشیع رهنمون شدند . مرتضی حسین می نویسد :

« ملا عبدالحق هاشمی در پیشاور پاکستان ، عالم اهل سنت بود . وی علاقه مند به جستجوی حق شد و در نهایت شوق ، درباره کشف حق دعا می کرد روزی بعد از نماز عشا ، کنار دریا رفت و خواندن سوره مزمل و چله نشینی را آغاز کرد . روز چهارم ، بعد از انجام دادن اعمال لازم ، در همانجا دراز کشید و به خواب رفت . در عالم رویا شخصی را با محاسن سپید - که از اولیاء الله - بود دید که به او گفت : ای عبدالحق ! اگر در جستجوی حق هستی ، کتابهای مولوی سید حامد حسین را که اهل تشیع

۱. قمی ، فوائد الرضویة ، ص ۹۲ ؛ مدرس خیابانی ، ریحانة الادب ، ج ۲ ، ص ۴۳۲ .

است ، بخوان . آنگاه ، مانند آفتاب ، حق برای تو روشن خواهد شد .  
 مولوی عبدالحق از خواب بیدار شد و در تاریکی شب ، به سوی شهر به  
 راه افتاد و به منزل حاجی ملک رحمان رفت . حاجی از خواب بیدار شد ،  
 از خانه بیرون آمد و علت آمدن بی موقع او را پرسید .

مولوی با عرض معذرت گفت : آیا کسی در میان علمای شیعه به نام سید  
 حامد حسین وجود دارد ؟

حاجی پاسخ داد : مولانا سید حامد حسین در لکهنو ، از علمای بزرگ و  
 صاحب علم و فضل به شمار می رفت ، که در فصاحت و بلاغت از همه  
 کاملتر ، در درایت و علم کلام بی مثال و استاد محققان و رئیس شیعیان  
 بود . اکنون ، او زنده نیست .

عبدالحق پرسید : تصانیف هم دارد ؟

حاجی گفت : کتابهایی زیاد در مناظره دارد . سپس ، حاجی مجلد حدیث  
 طیر از عبقات را به او داد .

مولوی عبدالحق بسیار تشکر کرد و پس از چند روز مطالعه ، تحت تأثیر  
 قرار گرفت و مذهب شیعه اثناعشری را پذیرفت .<sup>۱</sup>

### ویژگیهای اخلاقی

آیت الله میرحامد حسین ، آینه تمام نمای رفتار و کردار پدران بزرگوارش بود .  
 اینک ، به نمونه هایی از اخلاق وی اشاره می کنیم .

### همت بلند

هرکس به آثار متعدد میرحامد حسین بنگرد ، همت بلند ، اراده عالی و عزم  
 استوار او را در می یابد . به قول مرحوم علامه مدرس تبریزی :

۱ . سید مرتضی ، مطلع انوار ، صص ۱۸۵ - ۱۸۶ .

« او علاوه بر فقاہت و دیگر علوم دینیہ، در علم شریف حدیث و اخبار و آثار، و معرفت احوال رجال فریقین و علم کلام، خصوصاً در مبحث امامت، دارای مقامی عالی و کثرت احاطه و تبحر علمی بود. او مسلم یگانه و بیگانه، و عرب و عجم، و عامه و خاصه بوده، و در مدافعه از حوزه دینت و شریعت، اهتمام تمام داشته و تمامی ساعات و دقائق عمر شریفش در تألیفات دینی مصروف بوده و آنی فروگذاری نداشته تا آنکه دست راست او از کثرت تحریر و کتابت عاطل شده (و از کار افتاده)، و در اواخر با دست چپ می نگاشته است»<sup>۱</sup>.

بدون شک، پدید آوردن کتابهایی بزرگ مانند عبقات و استقصاء الافہام، در گرو ہمت بلند مؤلف آن بوده است. او برای تہیہ مصادر کتابش بہ ہمہ جا رفت، از ہمہ کس پرسید و ہر کتابی را مطالعہ کرد. او جانش را بر سر این کتاب نہاد و عمرش را تقدیم آن کرد. در این راہ، علامہ میرحامد حسین سلامتی اش را نیز فدا کرد. ہنگامی کہ دست راستش از کار افتاد، با دست چپ می نوشت؛ ہنگامی کہ از نشستن و نوشتن خستہ می شد، می خوابید و می نوشت؛ و زمانی کہ از آن خستہ می شد، بر پشت می خوابید، کتاب را بر روی سینہ اش می نہاد، املا می کرد و دیگران می نوشتند. این کار، عادت شب و روز علامہ بود.

او از جایش بلند نمی شد، مگر برای نیازهای ضروری؛ و نمی خورد و نمی خوابید، مگر بہ قدر ضرورت. میرحامد حسین از عبادات و اعمال شرعی، فقط واجبات را بہ جای می آورد. ہنگامی ہم کہ بیمار شد و قدرت بر نوشتن نہاشت. املا می کرد و دیگران می نوشتند.

آیت اللہ نجفی مرعشی می فرمود:

من از فرزندش، علامہ بزرگوار سید ناصر حسین، شنیدم کہ می گفت:

« وقتی که پیکر پدرم را در غسلخانه بر روی مغتسل گذاشتیم ، حفره‌ای عمیق - به شکل خط افقی - بر روی سینه‌اش دیدیم . این حفره ، محل کتابهایی بود که عادت داشت بر روی سینه‌اش بگذارد و بر دیگران املا کند »<sup>۱</sup>.

همچنین ، علامه سید ناصر حسین می‌گوید :

« میرحامد حسین ، کتابی از کتب اهل سنت را نداشت . پس از جستجوی بسیار ، معلوم شد که عالم روستای « رابق » - بین مکه و مدینه - این کتاب را دارد . آن مرحوم از آن عالم سنی خواست تا آن کتاب را به امانت به وی دهد . اما ، او قبول نکرد . پس ، میرحامد حسین به قصد مکه حرکت کرد و بعد از مناسک حج ، به قریه رابق آمد . وی به طور ناشناس بر آن عالم وارد شد و وانمود کرد مسافری است که می‌خواهد چند روزی میهمان و خدمتگزار او باشد .

پس ، آن عالم خوشحال شد و نسبت به میرحامد حسین اظهار محبت کرد و او را نزد خود نگاه داشت . وقتی شب فرا رسید ، میرحامد حسین گفت : من خیلی دوست دارم در موقع خواب مطالعه کنم تا به خواب روم ، و قرآنی بالای سرم باشد تا از خیالات و اوهام آسوده باشم . آن عالم پذیرفت و کتابخانه‌اش را در اختیار او گذاشت . پس ، میرحامد حسین وارد کتابخانه شد و پس از جستجوی فراوان ، کتاب مورد نظرش را به دست آورد و مشغول مطالعه شد . علامه که لازم می‌دید همه آن را استنساخ کند ، شبها مشغول نسخه‌برداری شد تا آنکه پس از مدتی ، استنساخ کتاب تمام شد ، و میرحامد حسین اجازه مرخصی خواست . آن عالم سنی بسیار افسرده شد ، و به دوری وی راضی نمی‌شد . ولی در عین حال چون مزاحم شدن او را هم جایز نمی‌دانست . لذا مقدمات سفرش را فراهم کرد و او را روانه ساخت . هنگامی که میرحامد حسین به وطنش بازگشت ، جریان



استنساخ کتاب را برای آن عالم نوشت و از او سپاسگزاری کرد. وقتی نامه اش به دست آن عالم رسید، از بلند همتی، اراده شگرف و صبر و تحمل او در شهر غربت، و آنهمه خدمت و ذلت - خدمتگزاری به آن عالم سنی - تعجب کرد، و از غصه کتاب مذکور سکتہ کرد و مرد.<sup>۱</sup>

میرحامد حسین برای تألیف این کتاب، رنج سفر به کشورهای دور و نزدیک را بر خود هموار کرد و به عراق، حجاز، مصر و شهرهای هندوستان رفت، هزاران جلد کتاب چاپی و خطی فراهم آورد - که بدان اشاره می‌کنیم -، آنها را به دقت مطالعه کرد و نقاط حساس و مورد نیاز خود را مشخص ساخت و علامت گذاشت. از علامه امینی نقل شده است:

« من در سفرم به هند، برای یادداشت برداری کتاب الغدیر، به کتابخانه میرحامد حسین رفتم. هر کتابی را که برداشتم، دیدم میرحامد حسین تمام نقاط حساس و خواندنی آن را در ابتدای کتاب با ذکر صفحه مشخص کرده است.»

### عشق به اهل بیت علیهم السلام

مدافع بزرگ حریم ولایت و مرزبان بیدار منصب امامت آیت‌الله میرحامد حسین، عاشق و شیفته امامان معصوم علیهم السلام و آبا و اجداد طاهرش بود. او تاب شنیدن مصایب آنان را نداشت؛ به طوری که با استماع مصیبت ایشان، بیهوش می‌شد. آیت‌الله میرزا محمد عسکری تهرانی، صاحب مستدرک البحار، از سید حسین خطیب یزدی نقل کرد:

« من شنیده بودم میرحامد حسین، طاقت شنیدن مصیبت ائمه اطهار علیهم السلام - و بویژه امام حسین علیه السلام - را ندارد. لذا در مجلسی که او حضور داشت، از خواندن مصایب شدید خودداری می‌کردم. تصادفاً، در یکی از روزها

۱. شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۷، صص ۲۶-۲۷.

کہ من در حسینہ لکھنو مشغول خواندن مصیبت بودم ، وی داخل حسینہ شدہ بودولی من از ورودش بی اطلاع بودم . ناگاہ شنیدم از اطراف صدا می زنند : ساکت ، ساکت . ہمین کہ متوجہ شدم ، دیدم میرحامد حسین غش کردہ و نقش بر زمین شدہ است .<sup>۱</sup>

### غیرت دینی

میرحامد حسین ، نماد غیرت و مظهر حمیت بود . تمام نوشتہ ہایش در راہ حمایت از دین و مذہب بود ، و از ہر فرصتی برای دفاع از تشیع و مکتب اہل بیت علیہ السلام بہرہ می برد . آیت اللہ مرعشی نجفی در این بارہ فرمود :

« روزی میرحامد حسین در لکھنو ، در مجلس فاتحہ ای شرکت کرد کہ قاری قرآن ، برخی از کلمات قرآن را نادرست می خواند . گروہی از اہل تسنن کہ در آن مجلس حضور داشتند ، زبان بہ طعن شیعہ گشودند و گفتند : شیعہ ہا اہمیتی بہ قرائت قرآن نمی دهند . ہمین کہ میرحامد حسین این سخن را شنید ، دستور داد تا قلم ، کاغذ و دوات آوردند ، آنگاہ غلطہای خلفای سہ گانہ ابوبکر ، عمر و عثمان در قرائت قرآن را از کتب اہل سنت با تعیین مدارک نوشت و بہ خادم خود داد و فرمود : فوراً می روی این مطالب را چاپ می کنی و در مجلس می نشینی و ہر سنی کہ از مجلس خارج می شود ، یکی از این ورقہ ہا را بہ او می دهی .<sup>۲</sup>

این ماجرا ، نشانگر کثرت ضبط ، حفظ و غیرت میرحامد حسین است .

### تاکید بر عزت مسلمانان

میرحامد حسین ، کہ عمری در راہ اعلای کلمہ حق و برافراشتن پرچم دین

۱. تہرانی ، نقباء البشر ، ج ۱ ، صص ۳۴۹ - ۳۵۰ ؛ شریف رازی ، گنجینہ دانشمندان ، ج ۷ ص ۲۴ .

۲. شریف رازی ، گنجینہ دانشمندان ، ج ۷ ، ص ۲۴ .

کوشید، رنج فراوان به جان خرید و کتابهای فراوان نگاشت؛ همواره از وابستگی مسلمانان به بیگانگان و کافران رنج می برد و دل در گرو عزت و آقایی مسلمانان داشت. او برای این کار، در طول عمرش تمام کتابهایش را که سر به ۲۰۰ مجلد می زند.<sup>۱</sup> جز به کاغذهای ساخت کشورهای اسلامی نوشت، و از قلم و مرکب خارجی کمک نگرفت. و اصولاً، وی از هرگونه وسایل، پارچه ها و لباسهای ساخت غیر مسلمانان پرهیز می کرد. و این، امری مشهور و متواتر است.<sup>۲</sup>

### بنیاد کتابخانه

علامه میرحامد حسین برای تألیف کتابهای عیقات و استقصاء الافهام، نیاز به کتابهای فراوان داشت. او سالیان بسیار برای به دست آوردن کتابهای عامه، به کشورهای مختلف سفر کرد و اموال فراوان در این راه منصرف کرد. علامه نامه های متعددی به علمای بلاد بویژه علامه محدث نوری نوشت، که پاسخ نامه های میرحامد حسین از سوی محدث نوری، در مجله نور علم به چاپ رسیده است.<sup>۳</sup>

اساس این کتابخانه را، کتابهای علامه سید محمدقلی لکهنوی، پدر میرحامد حسین، تشکیل می داد، که آنها را وقف خاص بر اولاد خود کرده بود. در زمان میرحامد حسین، بیش از ۳۰ هزار کتاب چاپی و خطی نفیس بر آن افزوده شد.<sup>۴</sup> پس از وی، فرزند برومندش، آیت الله سیدناصر حسین، بر آن بسی افزود و آن را به صورت آبرومندی درآورد.<sup>۵</sup>

۱. مدرس خیابانی، ریحانة الادب، ج ۲، ص ۴۳۳.

۲. تهرانی، نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۴۷.

۳. فخرالشریعة، «نامه های محدث نوری به میرحامد حسین»، مجله نور علم، شماره ۴۸، صص ۸۶-۱۰۸.

۴. میلانی، نفحات الازهار، ج ۱، ص ۱۵۰.

۵. لاهوری، مرتضی حسین، الفضل الجلی، در مقدمه تشید المطاعن.

به نوشته علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی :

« این کتابخانه در هندوستان ، بی نظیر و در کتابخانه های شیعه ، کم نظیر است ، و یکی از مشهورترین و مهمترین کتابخانه های شرق به شمار می رود . در این کتابخانه ، نسخه های پر ارزش و قدیم کتابهای اهل سنت که برخی از آنها نسخه منحصر به فرد است و در جای دیگر یافت نمی شود . موجود است . محدث نوری - قدس سره - می گفت : میرحامد حسین از لکهنو به من نوشت : فلان کتاب را برایم بفرستید . من در پاسخ او نوشتم : تعجب است که این کتاب ، در کتابخانه عظیم شما موجود نیست . میرحامد حسین در جوابم نوشت : یقین دارم که از این کتاب در این کتابخانه ، چند نسخه وجود دارد ، اما جستجوی آن و پیدا کردنش بسیار طول می کشد . ولی کتابی که شما برایم می فرستید ، زودتر به دستم می رسد ، پیش از آنکه کتاب کتابخانه خودم را پیدا کنم . »

علامه تهرانی در ادامه می نویسد :

« برخی از دوستان فاضلم ، فهرست کتابهای تفسیری این کتابخانه را به من نشان داد و من از کثرت آن ، در شگفت شدم . »<sup>۱</sup>

پس از میرحامد حسین ، فرزندش ، سید ناصر حسین ، و پس از وی ، فرزندش ، سید محمدسعید ، ساختمان را توسعه دادند و بر تعداد کتابها افزودند؛ به طوری که به صورت امروزی درآمد . اینک ، کتابخانه به نام « مکتبه ناصریه » - منسوب به سید ناصر حسین - در لکهنو مشهور است . این کتابخانه در شهر لکهنو ، به عنوان یکی از مراکز مهم تشیع ، با داشتن بیش از ۷۰ هزار کتاب چاپی و حدود ۱۰ هزار کتاب خطی نفیس ، نیازمند توجه بیش از پیش شیعیان سراسر جهان است تا از گزند حوادث و آفات طبیعی و غیر طبیعی مصون بماند .<sup>۲</sup>

۱. تهرانی ، نباء البشر ، ج ۱ ، ص ۳۴۸ .

۲. لکهنوی ، نزهة الخواطر ، ج ۸ ، ص ۹۹ ؛ میلانی ، نفحات الازهار ، ج ۱ ، صص ۱۵۰ - ۱۵۵ .

### تعمیر مرقد شهید ثالث

دیگر از اقدامات آن بزرگوار، آبادسازی مرقد قاضی نورالله است. علامه میرحامد حسین، به شهید ثالث، علامه قاضی نورالله شوشتری (شهادت ۱۰۱۹ ه. ق) علاقه فراوانی داشت. هنگامی که علامه در سال ۱۲۷۱ ه. ق به «آگره» رفت و بر مزار شهید ثالث حاضر شد، از وضع و کیفیت آن اندوهگین شد. این مزار از سال ۱۰۱۹ تا ۱۱۸۸ ه. ق به علت حضور نداشتن شیعیان، بتدریج به خرابه‌ای تبدیل شده بود. در سال ۱۱۸۸ ه. ق، ذوالفقار الدولة نجف خان سید محمد منصور موسوی، استاندار آگره، آن را تعمیر کرد. تقریباً پس از ۱۱۵ سال، آیت الله میرحامد حسین مردم را به مرمت آن مزار و تجدید آبادی اش متوجه کرد. در سال ۱۲۹۰ ه. ق، به سرپرستی سید علی نقی پهرسری، فرماندار محلی، مزار شهید ثالث از نو مرمت شد. و از سال ۱۳۶۱ ه. ق که سید ناصر حسین در آنجا مدفون شد، این محل به صورت یک آبادی بسیار عالی درآمد.<sup>۱</sup>

### فرزندان

از آن فقیه و متکلم سترگ شیعه، بجز کتابهای جاودانه اش، و شاگردان فراوانش، فرزندی باقی ماند که هر یک، چشم و چراغ علمای شیعه هند به شمار می رفتند. نخستین آنان، آیت الله علامه بزرگوار سیدناصر حسین (نجم الدین ابوالفضل سید اسحاق) موسوی است. مدرس تبریزی درباره او می نویسد:

سیدناصر حسین، ملقب به شمس العلماء، عالمی است متبحر، فقیه اصولی، محدث رجالی، کثیر التبع و وسیع الاطلاع و دائم المطالعة. از اعظم علمای امامیه هندوستان، و مفتی و مرجع اهالی آن سامان [بوده] و

۱. مرتضی حسین، مطلع انوار، صص ۱۸۳ - ۱۸۴.

از والد معظم خود و سید محمد عباس تحصیل مراتب علمیه کرده و در تمامی فضایل و کمالات نفسانیه طاق ، و پدر والا گهر خود را وارث بالاستحقاق ، و آن منبع فضل و شرف نعم الخلف و مصداق این شعر می باشد :

زنده است کسی که در دیارش

باشد خلفی به یادگارش

فرخ رخ آن پدر که جو وی باشدش پسر

خرم دل آن پسر که جو او باشدش پدر

ولادت او در روز پنجشنبه ۱۹ جمادی الثانی ۱۲۸۴ ه. ق ، به هنگام نماز صبح ، و وفاتش در ۲۵ ذیحجه الحرام - به نظر صحیح همان اول ماه رجب - ۱۳۶۱ ه. ق روی داد و هریک از : « ناصر الحفاظ ، قضی نجبه ناصر آل طه ، منطق بی نطق و سرگشته و معقول و مقول از حسرت ناله کنان » ماده تاریخ وفات او ( ۱۳۶۱ ه. ق ) است .<sup>۱</sup>

سید ناصر حسین ، معروف به ناصر الملة ، یکی از علما و فقهای بزرگ هند است که توصیفش در این مختصر نمی گنجد و نیاز به مقاله ای جداگانه دارد . او از شاگردان پدرش بود . وی در ۱۶ سالگی و پس از نگارش رساله اجتهادی درباره وجوب سوره پس از حمد در رکعت اول و دوم نماز ، از مفتی میر محمد عباس شوشتری و پدر بزرگوارش ، اجازه اجتهاد دریافت کرد . وی از ۱۶ سالگی به تدریس پرداخت و در آغاز ، حدود ۱۵ درس تدریس می کرد و شیعه و سنی در جلسات درس وی شرکت می کردند . اما بتدریج این درسها را کاهش داد ، و به فقه و اصول بسنده کرد . پدرش ، او را جانشین خود در تمام کارهایش همچون : پاسخ به استفتائات فقهی ، جواب نامه ها و تکمیل و متمیم عباقت ، قرار داد . و زمانی که مجلدات متعدد سبائک الذهبان را از او دید ، به او لقب صدر المحققین داد .

۱. مدرس خیابانی ، ریحانة الادب ، ج ۳ ، صص ۱۴۴ - ۱۴۵ .

میرحامد حسین، در ۲۲ سالگی ناصر حسین درگذشت. از آن پس، تمام بار مرجعیت، تألیف و تدریس به دوش وی افتاد، و او بیش از نیم قرن به خدمت به دین و مذهب پرداخت. برخی از تألیفات وی عبارتند از:

۱. المفرد فی وجوب السورة الثانية فی الركعتین (اولین تصنیف)
۲. تکمیل، تتمیم و تألیف عبقات الانوار (احادیث: منزلت، تشبیه، مدینه العلم، ثقلین و سفینه)
۳. نفعات الازهار فی فضائل الائمة الاطهار (۱۶ جلد بزرگ).<sup>۱</sup>
۴. اثبات رد الشمس لمولانا علی علیه السلام و دفع الشبهات<sup>۲</sup>
۵. فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام به روز خیبر<sup>۳</sup>
۶. مسند فاطمة بنت الحسین علیها السلام<sup>۴</sup>
۷. اسباغ النائل فی تحقیق المسائل (۹ جلد): این کتاب، مجموعه فتاویٰ فقهی است.<sup>۵</sup>
۸. دیوان اشعار به زبان فارسی، عربی و اردو<sup>۶</sup>
۹. خطبات<sup>۷</sup>
۱۰. کتاب المواعظ<sup>۸</sup>
۱۱. الاثمار الشهية فی المنشآت العربية<sup>۹</sup>

---

۱. مرتضی حسین، مطلع انوار، ص ۶۷۱.

۲. تهرانی، الذریعة، ج ۱، ص ۹۵.

۳. همان، ج ۱۹، ص ۲۲.

۴. مرتضی حسین، مطلع انوار، ص ۶۷۱.

۵. مرتضی حسین، مطلع انوار، ص ۶۷۱؛ تهرانی، الذریعة، ج ۲، ص ۳.

۶. همان، ج ۸۹، ص ۱۱۵۴.

۷. همان، ج ۷، ص ۱۸۶.

۸. مرتضی حسین، مطلع انوار، ص ۶۷۱.

۹. مرتضی حسین، مطلع انوار، ص ۶۷۱.

۱۲. سبائك الذهبان فی الرجال والاعیان (۴۸ جلد)<sup>۱</sup>

۱۳. افهام الاعداء والخصوم فی نفی عقد ام کلثوم<sup>۲</sup>

۱۴. فہرست و تلخیص انساب سمعانی<sup>۳</sup>

۱۵. علم الرجال<sup>۴</sup>

۱۶. انشا و مکاتیب فارسی<sup>۵</sup>

او در روز پنجشنبه، اول رجب الخیر ۱۳۶۱ ه. ق در ۷۷ سالگی درگذشت، و

پیکر پاکش در جوار مرقد قاضی نوراللہ شوشتری در آگرہ بہ خاک سپردہ شد<sup>۶</sup>

دربارہ زندگی وی کتابهای ضیاء العین و سبیکۃ اللجین نوشته شدہ، ولی بہ چاپ

نرسیدہ است.<sup>۷</sup>

فرزندان وی، عبارتنداز: آیت اللہ علامہ سید محمد سعید (سعید الملة) (۸ محرم

۱۳۳۳ - ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۸۷ ه. ق) و علامہ سید محمد نصیر (نصیر الملة)

(۱۳۱۷ - ۱۳۸۶ ه. ق)، کہ ہر دو از علما، ادبا و رجال نامی ہند بہ شمار می رفتند.<sup>۸</sup>

نوادگان وی، سید علی ناصر و سید ضیاء الحسن موسوی، ہم از علما، فضلا و

خطبای ہند بہ شمار می رفتند.<sup>۹</sup>

۱. مرتضی حسین، مطلع انوار، ص ۶۷۱.

۲. مرتضی حسین، مطلع انوار، ص ۶۷۱.

۳. مرتضی حسین، مطلع انوار، ص ۶۷۱.

۴. مرتضی حسین، مطلع انوار، ص ۶۷۱.

۵. تهرانی، الذریعة، ج ۲، ص ۳۹۵.

۶. مرتضی حسین، مطلع انوار، صص ۶۶۶ - ۶۷۱؛ میلانی، نفحات الازہار، ج ۱، صص ۱۴۲ - ۱۴۶؛

مدرس خیابانی، ریحانۃ الادب، ج ۳، صص ۱۴۴ - ۱۴۵؛ قمی، فوائد الرضویة، ص ۹۶؛ مرعشی نجفی،

المسلسلات، ج ۲، ص ۱۰۸ - ۱۱۳.

۷. طباطبائی، الغدیر فی التراث الاسلامی، ص ۱۴۴.

۸. میلانی، نفحات الازہار، ج ۱، صص ۱۴۷ - ۱۵۰؛ مرتضی حسین، مطلع انوار، صص ۵۶۴ - ۵۶۷ و

صص ۶۲۵ - ۶۲۶.

۹. مرتضی حسین، مطلع انوار، ص ۳۲۱.



علامه سید ذاکر حسین (د. ۱۳۵۸ ه. ق.)، فرزند کوچکتز میرحامد حسین، هم از علمای هند بود.<sup>۱</sup>  
از او به غیر از تتمیم و حاشیه بر عبقات، کتابهای: دیوان شعر عربی و فارسی، والادعیة الماثوره<sup>۲</sup> برجای مانده است.<sup>۳</sup>

### درگذشت

سرانجام، میرحامد حسین به علت کار مداوم و بیماری و خستگی ناشی از کار، در ۱۸ صفر ۱۳۰۶ ه. ق و در سن ۶۰ سالگی، در کتابخانه خود درگذشت. او حتی یک روز قبل از وفات، سرگرم کارهای علمی اش بود. پس از وفات، پیکر پاکش را به خانه آوردند و با مشایعت تمام مردم شهر، در حسینیه غفران مآب به خاک سپرده شد، و به لقب فردوس مآب شهرت یافت.<sup>۴</sup> در رثای او، شعرای ایران، عراق و هند اشعار فراوانی سرودند. این اشعار در مجموعه‌ای به نام القصائد المشکلة فی المراثی المشکلة گرد آمده و دربرگیرنده ۱۷ قصیده است.<sup>۵</sup>  
ماده تاریخ وفاتش، «عبقات الانوار تبکیه‌آها» (۱۳۰۶ ه. ق) است. مرثیه عربی آیت‌الله علامه میرزا ابوالفضل تهرانی<sup>۶</sup> بسیار خواندنی است.<sup>۷</sup>  
آیت‌الله مرعشی نجفی فرموده:

« یکی از مردان صالح و نیکوکار، میرحامد حسین را پس از وفاتش در خواب دید، که قیامت برپا شده و پیامبر اکرم ﷺ بر فراز منبری قرار

۱. همان، ص ۲۵۴.

۲. تهرانی، الذریعة، ج ۱، ص ۳۹۹.

۳. میلانی، نفحات الازهار، ج ۱، ص ۱۴۶.

۴. مرتضی حسین، مطلع انوار، ص ۱۸۴.

۵. میلانی، نفحات الازهار، ج ۱، ص ۱۳۸.

۶. تهرانی، دیوان اشعار، صص ۳۸۴-۳۸۵.

۷. طباطبائی، الغدیر فی التراث الاسلامی، صص ۱۴۶-۱۴۷.

گرفته و میرحامد حسین ہم بر یک پلہ پایین تر از رسول خدا ﷺ جلوس کرده است . و ملائکہ ، مردم گناہکار را می آوردند و پیغمبر اکرم ﷺ به حساب آنان رسیدگی می کرد . و میرحامد حسین نزد پیغمبر ﷺ برای افراد معصیت کار شفاعت می نمود ، و آن بزرگوار شفاعت وی را می پذیرفت «<sup>۱</sup> .

**منابع :**

١. امين، سيد محسن، اعيان الشيعة، چاپ بيروت
٢. تهرانی، آقا بزرگ، الذريعة الى تصانيف الشيعة، چاپ بيروت
٣. همو، كرام البررة في القرن الثالث بعد العشرة، چاپ مشهد
٤. همو، نقباء البشر في القرن الرابع بعد العشر، چاپ مشهد
٥. حكيمى، محمدرضا، ميرحامد حسين، چاپ تهران
٦. [امام] خمينى، روح الله، كشف اسرار، چاپ تهران
٧. سيد مرتضى حسين، مطلع انوار، ترجمة محمدهاشم، چاپ مشهد
٨. شريف رازى، محمد، گنجينه دانشمندان، چاپ تهران
٩. شهيدى، سيد جعفر، يادنامه علامه امينى
١٠. طباطبايى، سيد عبدالعزيز، الغدير فى التراث الاسلامى، چاپ بيروت
١١. فخرالشرعية، حسن و رضوان شهرى، ابوحسن، «نامه‌هاى محدث نورى به ميرحامد حسين»، مجله نور علم، نشرية جامعة مدرسين حوزه علميه قم، دى ١٣٧١، شماره ٤٨
١٢. قمى، عباس، فوائد الرضوية فى تراجم علماء المذهب الجعفرية، چاپ تهران
١٣. كشميرى لكهنوى، محمدمهدى، نجوم السماء، چاپ قم
١٤. لكهنوى، عبدالحى، نزهة الخواطر، چاپ حيدرآباد هند
١٥. مدرس خيابانى تبريزى، محمدهلى، ربحانة الادب فى تراجم المعروفين بالكنية او اللقب، چاپ تهران
١٦. مرعشى نجفى، سيد شهاب الدين، المسلسلات فى الاجازات. چاپ قم.
١٧. ميلانى، سيد على، نفحات الازهار فى خلاصة عباقيات الانوار، چاپ قم
١٨. واعظ خيابانى، حاج ملا على، علمائى معاصرین، چاپ تبريز